

غیبت امام عصر خشم الهی است / معصیت شیعیان؛ وجهی از غیبت امام زمان

یک وجهی که برای غیبت امام عصر بیان می کنند این است که این غیبت خشم الهی است. ما در دورانی هستیم که مورد غضب حضرت حق است.



یک وجهی که برای غیبت امام عصر بیان می کنند این است که این غیبت خشم الهی است. ما در دورانی هستیم که مورد غضب حضرت حق است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه پنجاه و چهارم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

سومین وجه از ادله و حکمت های غیبت امام عصر، سنت امتحان است که در مورد آن صحبت کردیم و عرض کردیم که غیبت امام عصر امتحان درون گروهی است و برای کسانی است که منتسب به حضرت هستند.

چرا این مسئله امتحان مهم است؟ امتحان از این جهت مهم است که ثابت قدم ها در دوره غیبت تعداد کمی دارند. برای اینکه این تعداد کم معلوم بشوند، باید این غیبت ادامه پیدا کند. امام زین العابدین می فرماید «أَنَّ لِقَائِمٍ مِمَّا غَيَّبْتَنِي إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى أَمَّا الْأُولَى قَسِيئَةٌ أَيَّامٍ أَوْ سَيِّئَةٌ أَشْهَرُ أَوْ سَيِّئَةٌ سَيِّئِينَ وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدَهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

یعنی برآستی برای قائم از ما دو غیبت است که یکی از دیگری درازتر است اولی شش روز یا شش ماه یا شش سال است و دیگری طول کشد تا بیشتر قائلین بآن از آن برگردند و بر آن ثابت نماند مگر کسی که یقین او قوی و معرفتش درست باشد و در دلش گرفت و گیری نباشد از آنچه ما حکم می کنیم و تسلیم ما اهل بیت باشد.

لذا این مسئله غیبت برای جداکردن هوادار واقعی و هوادارنا لازم است.

دومین وجه این است که مردمان دوران غیبت بهترین مردمان هستند. راوی نقل می کند که پیامبر دعا می کردند «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَ لَمْ يَرَوْبِي لَقَدْ عَرَفْتَهُمُ اللَّهُ يَا سَمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ أَشَدَّ بَقِيَّةٍ عَلَى دِينِهِ مِنْ حَرْطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَائِضِ عَلَى جَمْرِ الْعَصَا أُولَئِكَ مَصَابِيخُ الدَّجَى يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ عَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ»

یعنی خداوندا! برادران مرا به من بنمایان. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه! شما اصحاب من می باشید، برادران من مردمی در آخرالزمان هستند که به من ایمان می آورند، با اینکه مرا ندیده اند. خداوند آنها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آنکه از صلب پدران و رحم مادرانشان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن یکی از آنها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار (قتاد) با دست در شب ظلمانی، دشوارتر است. و یا مانند کسی است که پاره ای از آتش چوب درخت «غضا» را در دست نگاه دارد. آنها چراغ های شب تار می باشند، پروردگار آنان را از هر فتنه تیره و تاری نجات می دهد.

مسئله امتحان بودن غیبت به این خاطر است که عناوینی که ذکر شد، مهم هستند و باید محقق شوند.

وجه چهارمی که برای غیبت امام عصر بیان می کنند این است که این غیبت خشم الهی است. ما در دوران خوبی زندگی نمی کنیم. در دورانی هستیم که مورد غضب حضرت حق است.

امام باقر به محمد فرج نامه ای نوشتند که «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَاتًا عَنْ جَوَارِهِمْ» یعنی چون خدا تبارک و تعالی بر خلقش خشم کند ما را از جوارشان دور کند.

محدثین این روایت و این تیپ از روایات را در باب غیبت نوشته اند. یعنی وقتی خواستند راجع به غیبت امام عصر

بنویسند، عنوانی را باز کردند و این تیپ از روایات را در آنجا نوشته اند. معلوم می شود که این مسئله غضب در دوران غیبت مطرح است.

جناب مجلسی در کتاب بحار، به این مسئله اشاره کردند و وقتی این روایت را ذکر می کنند، می فرمایند این تیپ از روایت بر این مسئله دلالت دارد که غیبت امام عصر نشانه غضب حضرت حق بر اکثریت جامعه است.

بنابراین گناهان ما موجب می شود که ما از فیض دیدار امام محروم باشیم. این را در طایفه ای از روایات که چند مورد آن را اشاره خواهیم کرد، می بینیم.

امیرالمومنین می فرماید «إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءَ مُنْكَسِفَةً لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا النَّوْمَةُ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا النَّوْمَةُ قَالَ الَّذِينَ يَعْرِفُونَ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَ وَلَا يَعْرِفُونَ وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْطِي خَلْقَهُ عَنْهَا يَظْلِمُهُمْ وَ جَوْرَهُمْ وَ إِسْرَافَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَ - كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ.»

یعنی به راستی که فتنه هایی ظلمانی و کدر و تاریک پشت سر دارید که جز نومه (کسی که عنوانی در مردم ندارد و به کلی قدرش مجهول و ناشناخته است) کسی از آن نجات نمی یابد، به آن حضرت عرض شد: ای امیرمؤمنان نومه چیست؟ فرمود: آن کسی است که مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند، و بدانید که زمین از حجت خدای عز و جل خالی نمی ماند ولی خدای عزیز بزودی دیده خلقش را از او نابینا می سازد به خاطر ظلم و جورشان و زیاده روی آنان نسبت به خودشان و اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی بماند اهل خود را فرو می برد، لکن آن حجت مردم را می شناسد و آنان او را نمی شناسند، چنان که یوسف مردم را (برادرانش را) می شناخت و آنها او را نمی شناختند.

لذا امیرالمومنین به صراحت بیان می کنند که دلیل اینکه امام عصر دیده نمی شوند، گناهان مردم است.

دلیل قرآن هم دارد. می فرمایند کسی به حقیقت قرآن راه پیدا نمی کند «لا یمسه الا المطهرون» مطهرون یعنی کسانی که اهل توبه باشند.

وقتی پیامبر قرآن و عترت را در حدیث ثقلین کنار هم می آورد، معطوف و معطوف علیه، حکم همدیگر را دارند. لذا شرط دستیابی که به حقیقت عترت هم تطهیر خواهد بود.

این سنت الهی در مورد امام دوازدهم است و به این معنی نیست که کسانی که در دوران حضرت صادق بوده اند و امام را می دیدند، انسان های خوبی بوده اند. این مسئله در دوران غیبت کارسازی دارد.

فرستاده امام زمان به پسر مهزیار که مشتاق دیدار امام بوده می فرماید «ما الذی ترید یا ابالحسن؟» چه می خواهی ای ابو الحسن؟ وی جواب داد: «الامام المحجوب عن العالم» امامی را که از جهان، پوشیده و پنهان است. او گفت: «و ما هو محجوب عنکم ولكن حجبه سوء اعمالکم» امام از شما محجوب و پنهان نیست، اما بدرفتاری ها و زشتکاریهایتان، او را از شما پوشانده و مخفی ساخته است.

در توقیعی که از امام زمان به شیخ مفید در سرداب صادر شد، می فرماید «وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لِبِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَقَائِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا قَمًا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكَرَهُهُ وَ لَا تُؤْنِرُهُ مِنْهُمْ»

یعنی اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علّت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

یعنی اگر من یک ایمان درست داشته باشم در همین شرایط به محضر امام عصر راه پیدا می کنم. اگر راه پیدا نمی کنم به خاطر سوء رفتار من است.